

# چارچوب

پیش‌بازاریان (آشنایی)



## جشن بیار در رسانه ملی

گفت‌وگوی اختصاصی با پروفسور پل پیلار، عضو پیشین شورای اطلاعات ملی آمریکا

### تل آویو؛ باز نده توافق تهران-ریاض

۱۸ | <>

عدالت محوری در توزیع کرسی‌های فرهنگی



### سال جهش سینماسازی

۱۹ | <>

سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا درباره ایران چطور فکر می‌کنند؟

۹|<>

## چشم‌ها دوخته به ایران قوی

۲ | <>

یادی از سفرکردگان ادبیات کرده‌ایم

۲ | <>

### آه از رفتگان بی بازگشت

۱۱ | <>



«جام جم» چارچوب عییدی ۱۴۰۱ با زنشستگان را بررسی می‌کند

### حمایت از خانواده‌های پر جمعیت

۱۳ | <>

## چند باور غلط درباره سوختگی



### آگهی فروش



بهین ساز خلیج فارس

### آگهی فروش مزایده ۱۰۱۸

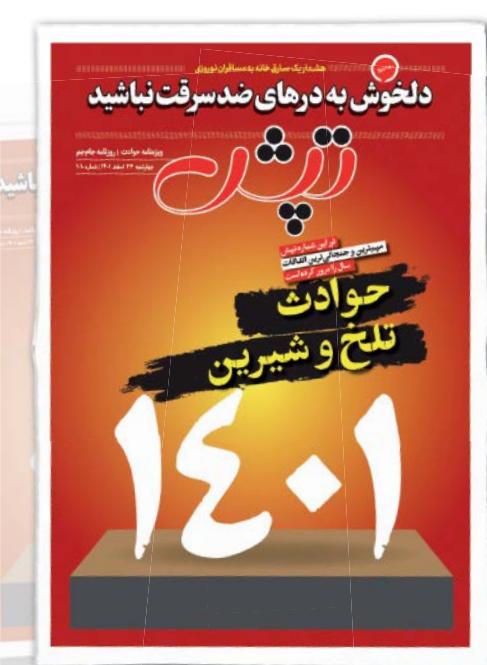
با شرایط نقد و اقساط و بدون کارمزد بصورت مزایده ویژه

روزنامه جام جم چاپ امروز (رجوع به صفحه سوم)



جلد دوم روزنامه جام جم شامل هشت صفحه، از  
مجموعه مطالبی در حوزه‌های رادیو، تلویزیون، رسانه،  
فرهنگ، هنر و البته سبک زندگی می‌شود.

منیمه



و چشم‌ها را باقیت‌های به سوی خود خیره کرده‌اند، روایت‌های رسانه‌ای به معیار صدق و کذب تبدیل شده‌اند. ذهن‌ها، برد و مطبیع روایت‌های رسانه‌ای شده‌اند و باقیت را طلب نمی‌کنند و آن را مینما اینگانه. گویا رسانه‌ها، قدرت جادوگری داشته‌اند که این چنین، شیفتگی و وادادگی ایجاد کرده‌اند و فکر مستقل و اندیشه‌ورزی خلاقانه را میان برداند و مردمان جوامع را به طوطی مفتان تکرار کننده تبدیل کرده‌اند. این ذهن‌های ماسخر شده و مروع در رسانه‌های متراهم و پراکن، توانمندی خویش را برای تجزیه و تحلیل باخته‌اند و جز اتفاقی و پذیرش و گرفته برداری، هنری ندارند. رسانه‌ای شدن جهان کنونی، چنین افقی را در پی داشته که فکر را به حاشیه رانده، همچنان که با واقیت نیز چنین کرده است. ازین‌رو، آیت... خانمه‌ای از افون بر علم، بر فکر نیز اصرار فراوان می‌ورزد و می‌خواهد تفکر را به یک فضیلت اجتماعی تبدیل کنند. چنین گمان می‌شود که علم، کافیت می‌کند یا فکر در ذیل علم است در حالی‌که در نظر نیست... خانمه‌ای، فکر همان علم نیست، بلکه فکر، اندیشه و روزی مستقل، سنجش عقلانی و معاسبه خرمدانه است و این فقط با علم بدست نمی‌آید چنان‌که میان علم و عقل، تفاوت وجود دارد و چه بسا کسانی که علم ندارند امایه سبب قوت عقل، راه از راه بازی شناسند. جامعه اسلامی، بر مدار تدریس، عقلانیت و تفکر حرکت می‌کند و براین اساس، گزارش انتشارش و تلاطم در این زمینه نمی‌شود. چنگ شناختی، می‌خواهد ذهن‌ها اوارد بازی طراحی شده خویش کند و جامعه را در برایر حاکمیت نشاند و به نفع خویش، سیچ کند اما اگر جامعه، اسیر چنچ را واقعیت‌های رسانه‌ای نشود و بتواند در مواجهه با هرمساهم و مشکل، هم به فهم مستقبل دست یابد و همه روابط‌ها از این‌چنچ را وایت‌های از این‌چنچ را در گرداند. در مقابل، جامعه سطحی و خویش بیان می‌کند و گرداند که در دهه اخیر این است که واقعیت، تکفایت نیز کند و باشد. چنان‌که در مطلع این‌چنچ، موضعی می‌شود، همواره از این‌چنچ خویش، صورت‌بندی وجهت دهی می‌شود و باشد. روابط، همواره بر واقعیت اصرار ورزیده‌ایم و پنداشته‌ایم که اگر واقعیت را صورت‌بندی و بازآفرینی کنیم، خودبه خود روابط‌های متناظر به آن نیز بدل خواهد آمد یا با وجود درخشش ذاتی واقعیت‌ها، نیازی به روابط پردازی نیست. کیمی مشکل، چندان واقعیت نیست یا ترمیم واقعیت‌ها و خویش بینایی رسیده‌اند و می‌توانند خود را بر واقعیت تحمیل کنند و شبهه واقعیت بسازند. ازین‌رو، کششگری روابط به پیشترین مرتبه خویش در طول دوره‌های گذشته رسیده و به عنصر یک‌تاواز و صحنمیدار تبدیل شده است. به این جهت، اگر اعداء واقعیت‌ها گسترشانده‌اند، روابط‌ها به مرحله خودمه‌خواری و خویش بینایی رسیده‌اند و می‌توانند خود را بر واقعیت تحمیل کنند و شبهه واقعیت بسازند. ازین‌رو، کششگری روابط به پیشترین مرتبه خویش در طول دوره‌های گذشته رسیده و به عنصر یک‌تاواز و صحنمیدار تبدیل شده است. به این جهت، اگر اعداء واقعیت‌ها گسترشانده‌اند، روابط‌ها به مرحله خودمه‌خواری و خویش بینایی رسیده‌اند و می‌توانند خود را بر واقعیت تحمیل کنند و شبهه واقعیت بسازند. ازین‌رو، کششگری روابط به پیشترین مرتبه خویش در طول دوره‌های گذشته رسیده و به عنصر یک‌تاواز و صحنمیدار تبدیل شده است. به این جهت، اگر اعداء واقعیت‌ها گسترشانده‌اند، روابط‌ها به مرحله خودمه‌خواری و خویش بینایی رسیده‌اند و می‌توانند خود را بر واقعیت تحمیل کنند و شبهه واقعیت بسازند. ازین‌رو، کششگری روابط به پیشترین مرتبه خویش در طول دوره‌های گذشته رسیده و به عنصر یک‌تاواز و صحنمیدار تبدیل شده است. به این جهت، اگر اعداء واقعیت‌ها گسترشانده‌اند، روابط‌ها به مرحله خودمه‌خواری و خویش بینایی رسیده‌اند و می‌توانند خود را بر واقعیت تحمیل کنند و شبهه واقعیت بسازند. ازین‌رو، کششگری روابط به پیشترین مرتبه خویش در طول دوره‌های گذشته رسیده و به عنصر یک‌تاواز و صحنمیدار تبدیل شده است. به این جهت، اگر اعداء واقعیت‌ها گسترشانده‌اند، روابط‌ها به مرحله خودمه‌خواری و خویش بینایی رسیده‌اند و می‌توانند خود را بر واقعیت تحمیل کنند و شبهه واقعیت بسازند. ازین‌رو، کششگری روابط به پیشترین مرتبه خویش در طول دوره‌های گذشته رسیده و به عنصر یک‌تاواز و صحنمیدار تبدیل شده است. به این جهت، اگر اعداء واقعیت‌ها گسترشانده‌اند، روابط‌ها به مرحله خودمه‌خواری و خویش بینایی رسیده‌اند و می‌توانند خود را بر واقعیت تحمیل کنند و شبهه واقعیت بسازند. ازین‌رو، کششگری روابط به پیشترین مرتبه خویش در طول دوره‌های گذشته رسیده و به عنصر یک‌تاواز و صحنمیدار تبدیل شده است. به این جهت، اگر اعداء واقعیت‌ها گسترشانده‌اند، روابط‌ها به مرحله خودمه‌خواری و خویش بینایی رسیده‌اند و می‌توانند خود را بر واقعیت تحمیل کنند و شبهه واقعیت بسازند. ازین‌رو، کششگری روابط به پیشترین مرتبه خویش در طول دوره‌های گذشته رسیده و به عنصر یک‌تاواز و صحنمیدار تبدیل شده است. به این جهت، اگر اعداء واقعیت‌ها گسترشانده‌اند، روابط‌ها به مرحله خودمه‌خواری و خویش بینایی رسیده‌اند و می‌توانند خود را بر واقعیت تحمیل کنند و شبهه واقعیت بسازند. ازین‌رو، کششگری روابط به پیشترین مرتبه خویش در طول دوره‌های گذشته رسیده و به عنصر یک‌تاواز و صحنمیدار تبدیل شده است. به این جهت، اگر اعداء واقعیت‌ها گسترشانده‌اند، روابط‌ها به مرحله خودمه‌خواری و خویش بینایی رسیده‌اند و می‌توانند خود را بر واقعیت تحمیل کنند و شبهه واقعیت بسازند. ازین‌رو، کششگری روابط به پیشترین مرتبه خویش در طول دوره‌های گذشته رسیده و به عنصر یک‌تاواز و صحنمیدار تبدیل شده است. به این جهت، اگر اعداء واقعیت‌ها گسترشانده‌اند، روابط‌ها به مرحله خودمه‌خواری و خویش بینایی رسیده‌اند و می‌توانند خود را بر واقعیت تحمیل کنند و شبهه واقعیت بسازند. ازین‌رو، کششگری روابط به پیشترین مرتبه خویش در طول دوره‌های گذشته رسیده و به عنصر یک‌تاواز و صحنمیدار تبدیل شده است. به این جهت، اگر اعداء واقعیت‌ها گسترشانده‌اند، روابط‌ها به مرحله خودمه‌خواری و خویش بینایی رسیده‌اند و می‌توانند خود را بر واقعیت تحمیل کنند و شبهه واقعیت بسازند. ازین‌رو، کششگری روابط به پیشترین مرتبه خویش در طول دوره‌های گذشته رسیده و به عنصر یک‌تاواز و صحنمیدار تبدیل شده است. به این جهت، اگر اعداء واقعیت‌ها گسترشانده‌اند، روابط‌ها به مرحله خودمه‌خواری و خویش بینایی رسیده‌اند و می‌توانند خود را بر واقعیت تحمیل کنند و شبهه واقعیت بسازند. ازین‌رو، کششگری روابط به پیشترین مرتبه خویش در طول دوره‌های گذشته رسیده و به عنصر یک‌تاواز و صحنمیدار تبدیل شده است. به این جهت، اگر اعداء واقعیت‌ها گسترشانده‌اند، روابط‌ها به مرحله خودمه‌خواری و خویش بینایی رسیده‌اند و می‌توانند خود را بر واقعیت تحمیل کنند و شبهه واقعیت بسازند. ازین‌رو، کششگری روابط به پیشترین مرتبه خویش در طول دوره‌های گذشته رسیده و به عنصر یک‌تاواز و صحنمیدار تبدیل شده است. به این جهت، اگر اعداء واقعیت‌ها گسترشانده‌اند، روابط‌ها به مرحله خودمه‌خواری و خویش بینایی رسیده‌اند و می‌توانند خود را بر واقعیت تحمیل کنند و شبهه واقعیت بسازند. ازین‌رو، کششگری روابط به پیشترین مرتبه خویش در طول دوره‌های گذشته رسیده و به عنصر یک‌تاواز و صحنمیدار تبدیل شده است. به این جهت، اگر اعداء واقعیت‌ها گسترشانده‌اند، روابط‌ها به مرحله خودمه‌خواری و خویش بینایی رسیده‌اند و می‌توانند خود را بر واقعیت تحمیل کنند و شبهه واقعیت بسازند. ازین‌رو، کششگری روابط به پیشترین مرتبه خویش در طول دوره‌های گذشته رسیده و به عنصر یک‌تاواز و صحنمیدار تبدیل شده است. به این جهت، اگر اعداء واقعیت‌ها گسترشانده‌اند، روابط‌ها به مرحله خودمه‌خواری و خویش بینایی رسیده‌اند و می‌توانند خود را بر واقعیت تحمیل کنند و شبهه واقعیت بسازند. ازین‌رو، کششگری روابط به پیشترین مرتبه خویش در طول دوره‌های گذشته رسیده و به عنصر یک‌تاواز و صحنمیدار تبدیل شده است. به این جهت، اگر اعداء واقعیت‌ها گسترشانده‌اند، روابط‌ها به مرحله خودمه‌خواری و خویش بینایی رسیده‌اند و می‌توانند خود را بر واقعیت تحمیل کنند و شبهه واقعیت بسازند. ازین‌رو، کششگری روابط به پیشترین مرتبه خویش در طول دوره‌های گذشته رسیده و به عنصر یک‌تاواز و صحنمیدار تبدیل شده است. به این جهت، اگر اعداء واقعیت‌ها گسترشانده‌اند، روابط‌ها به مرحله خودمه‌خواری و خویش بینایی رسیده‌اند و می‌توانند خود را بر واقعیت تحمیل کنند و شبهه واقعیت بسازند. ازین‌رو، کششگری روابط به پیشترین مرتبه خویش در طول دوره‌های گذشته رسیده و به عنصر یک‌تاواز و صحنمیدار تبدیل شده است. به این جهت، اگر اعداء واقعیت‌ها گسترشانده‌اند، روابط‌ها به مرحله خودمه‌خواری و خویش بینایی رسیده‌اند و می‌توانند خود را بر واقعیت تحمیل کنند و شبهه واقعیت بسازند. ازین‌رو، کششگری روابط به پیشترین مرتبه خویش در طول دوره‌های گذشته رسیده و به عنصر یک‌تاواز و صحنمیدار تبدیل شده است. به این جهت، اگر اعداء واقعیت‌ها گسترشانده‌اند، روابط‌ها به مرحله خودمه‌خواری و خویش بینایی رسیده‌اند و می‌توانند خود را بر واقعیت تحمیل کنند و شبهه واقعیت بسازند. ازین‌رو، کششگری روابط به پیشترین مرتبه خویش در طول دوره‌های گذشته رسیده و به عنصر یک‌تاواز و صحنمیدار تبدیل شده است. به این جهت، اگر اعداء واقعیت‌ها گسترشانده‌اند، روابط‌ها به مرحله خودمه‌خواری و خویش بینایی رسیده‌اند و می‌توانند خود را بر واقعیت تحمیل کنند و شبهه واقعیت بسازند. ازین‌رو، کششگری روابط به پیشترین مرتبه خویش در طول دوره‌های گذشته رسیده و به عنصر یک‌تاواز و صحنمیدار تبدیل شده است. به این جهت، اگر اعداء واقعیت‌ها گسترشانده‌اند، روابط‌ها به مرحله خودمه‌خواری و خویش بینایی رسیده‌اند و می‌توانند خود را بر واقعیت تحمیل کنند و شبهه واقعیت بسازند. ازین‌رو، کششگری روابط به پیشترین مرتبه خویش در طول دوره‌های گذشته رسیده و به عنصر یک‌تاواز و صحنمیدار تبدیل شده است. به این جهت، اگر اعداء واقعیت‌ها گسترشانده‌اند، روابط‌ها به مرحله خودمه‌خواری و خویش بینایی رسیده‌اند و می‌توانند خود را بر واقعیت تحمیل کنند و شبهه واقعیت بسازند. ازین‌رو، کششگری روابط به پیشترین مرتبه خویش در طول دوره‌های گذشته رسیده و به عنصر یک‌تاواز و صحنمیدار تبدیل شده است. به این جهت، اگر اعداء واقعیت‌ها گسترشانده‌اند، روابط‌ها به مرحله خودمه‌خواری و خویش بینایی رسیده‌اند و می‌توانند خود را بر واقعیت تحمیل کنند و شبهه واقعیت بسازند. ازین‌رو، کششگری روابط به پیشترین مرتبه خویش در طول دوره‌های گذشته رسیده و به عنصر یک‌تاواز و صحنمیدار تبدیل شده است. به این جهت، اگر اعداء واقعیت‌ها گسترشانده‌اند، روابط‌ها به مرحله خودمه‌خواری و خویش بینایی رسیده‌اند و می‌توانند خود را بر واقعیت تحمیل کنند و شبهه واقعیت بسازند. ازین‌رو، کششگری روابط به پیشترین مرتبه خویش در طول دوره‌های گذشته رسیده و به عنصر یک‌تاواز و صحنمیدار تبدیل شده است. به این جهت، اگر اعداء واقعیت‌ها گسترشانده‌اند، روابط‌